

بررسی رابطه بحران هویت با سازگاری دانشجویان

مهاجر افغانستانی ساکن شهر اصفهان

خدیدجه محمدی^۱، داکتر مهدی اسلامی^{۲*}، داکتر مریم قربانی^۳

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

*۲- استاد گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

۳- استاد گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده:

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بحران هویت با سازگاری دانشجویان مهاجر افغانستانی ساکن شهر اصفهان بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان مهاجر افغانستانی ساکن شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ مشغول به تحصیل می‌باشد، با حجم نمونه ۱۸۰ نفر (دختر و پسر دانشجو) از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های (دولتی، آزاد، پیام نور و غیر انتفاعی) بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه سبک‌های هویت و پرسش‌نامه سازگاری بل (۱۹۶۱) استفاده گردیده است. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام واز نرم افزار SPSS22 استفاده شد. نتایج نشان داد که بین سبک‌های هویت با سازگاری و ۷ خرده مقیاس آن (سازگاری کلی، سازگاری در خانه، سازگاری اجتماعی، سازگاری عاطفی، تحصیلی، شغلی و سازگاری بهداشتی) دانشجویان رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

کلمات کلیدی: بحران هویت، سازگاری، مهاجرت

مقدمه

مهاجرت نوعی جابه جایی است که به دلایل با هدف های متفاوت در دو سطح داخلی و بین المللی انجام می گیرد. حرکات مهاجرتی یا جابه جایی جغرافیایی جمعی دستاورد شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی یا محیطی است. منظور اینکه هر یک از عوامل فوق به نحوی زمینه مهاجرت را فراهم می آورند (فروغی و همکاران، ۱۳۸۸).

هنگامی که این مهاجرت ها رخ می دهد، اغلب افزایش های چشمگیری در تنوع و تناقض بین گروه های میزبان و گروه های تازه وارد به وجود می آید (لاندیس^۱، ۲۰۱۰). مهاجرت ها از دیرباز در میان ملت ها و فرهنگ های مختلف، وجود داشته است. برخی از این حرکت ها در مبادلات میان فرهنگی مهم بوده و توانسته اند نقش حیاتی در پیشبرد جوامع و فرهنگ های گوناگون ایفا کنند و برخی دیگر از این حرکت ها دارای اهمیت کمتری بوده اند (بالبو و مارکونی^۲، ۲۰۰۶).

مهاجرت بیش از پنج میلیون نفر از افغانستان به خارج، در طی دو دهه گذشته و پرورش نسلی در آوارگی با تبعات جدی فرهنگی برای زندگی اجتماعی آنها همراه بوده است. تبعاتی که از سویی به دنبال حضور در فضای بیگانه و با آداب و رسوم و الزامات یک فرهنگ جدید ملی و از دیگر سو بر اثر شکنندگی ساختارهای سیاسی و از دست دادن پیوندهای همبستگی اجتماعی بوجود آمده و به تحمل گسستی دوگانه از جانب جامعه مهاجر منجر شده است. حضور این جمعیت مهاجر در کشور ایران گرچه به دلیل سنخیت زبانی و تشابه فرهنگی بخشی از بحران های ناشی از ناهمگونی را پشت سر گذاشته، اما جامعه مهاجرین افغان به طور کلی از تغییر مصون نبوده و دگرگونی های عمیقی را در طی این سال ها تجربه کرده، تغییرات فرهنگی ژرفی در ساختار خانواده و ارزش های سنتی مهاجران به وقوع پیوسته که با ظهور موجی از بی علاقهی و عدم تعلق هویتی به پهنه سرزمینی خود، تداوم حضور آنان در کشورهای میزبانی از جمله ایران را به رغم معضلات موجود به دنبال داشته است (ابراهیم و هوئر، ۲۰۱۶).

نهایتاً اینگونه استنباط می شود که مهاجرت به خاطر تغییرات فرهنگی زیادی که در ساختار خانواده و ارزش های سنتی آنها ایجاد می کند، سبب اخلال در شکل گیری هویت و نوعی آشفتگی و سردرگمی می شود که به دنبال آن فرد احساس منزوی شدن، پوچی، از خود بیگانگی و تنهایی می کند. سازگار شدن با فرهنگ، آداب و رسوم جدید برای افراد مهاجر، امری بسیار ضروری و درخور توجه است تا افراد با کمترین آسیب به اهداف خود دست یابند.

بنابراین یادگیری روش زندگی کردن و کار کردن در فرهنگ جدید، تجربه ای چالش برانگیز است که سازگاری روانشناختی و اجتماعی را در هم می آمیزد. منظور از سازگاری میان فرهنگی، توانایی انطباق و کنار آمدن فرد با فرهنگی دیگر می باشد، نه به معنای پذیرفتن کامل آن فرهنگ (مک کری، ۲۰۰۲).

سازگاری دو جنبه دارد؛ سازگاری انسان با خوشتن و محیط درون، سازگاری با دیگران و محیط پیرامون. این دو محیط (درونی و بیرونی) با هم روابط پیچیده و نزدیکی دارند. ارتباط مستقیمی میان نوع برخورد با فرهنگ جدید و سازگاری و خودکارآمدی فرد مهاجر و حتی سلامت روانی او وجود دارد (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۱).

سازگاری انسان و نیز سازگاری میان فرهنگی، یکی از مهمترین نشانه های سلامت روان بوده و از جمله مباحثی است که توجه بسیاری از جامعه شناسان، روان شناسان و به ویژه مربیان را به خود جلب کرده است که نشان گر این است که پدیده مهاجرت مستلزم رسیدن به درجه ای از سازگاری با فرهنگ و آداب و رسوم کشور میزبان است (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۱). به عنوان مثال زیائوجیاو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی طولی با هدف بررسی میزان سازگاری و سبک هویت کودکان مهاجر در چین نشان دادند کودکانی که توانسته بودند هویت خود را با فرهنگی که در آن زندگی می کنند همسان کنند از سازگاری بالاتری برخوردار بودند. و در پژوهش دیگر جانسون و نوزیک (۲۰۱۱) نشان دادند که سبک های هویتی دانشجویان با ویژگی های شخصیتی و سازگاری آنها رابطه معناداری دارد و دانشجویانی دارای سبک سردرگم اجتنابی بودند سازگاری کمتری نسبت به سایر سبک ها داشتند. لذا از این جهت پژوهشگرانی بسیاری رسیدگی به امور سازگاری و هویت یابی مهاجران به دلیل تاثیر که بر سلامت و کارکرد های اجتماعی می گذارند را ضروری می داند.

از جمله عوامل دیگر که مهاجران را با چالش های زیادی روبرو می کند، بحران های هویتی است که در روبرو شدن با فرهنگ جامعه میزبان تجربه می کنند (تیو، ۲۰۱۵). در واقع هویت چهارچوب داوری است که افراد برای تعبیر تجارب شخصی، بحث درباره معانی، اهداف و مسیر زندگی شان به کار می برند (هودکینسون، ۲۰۰۲). بسیاری از عوامل فردی از جمله جنسیت، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیط خانوادگی میتواند در شکل گیری هویت نقش داشته باشد (ساباتیر، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، هویت فرد نیز پس از شکلگیری، باورها، برداشتها و رفتارهای فرد را تحت تاثیر قرار می دهد (اریکسون، ۱۹۶۸).

اکثر پژوهش‌های صورت گرفته درباره هویت، بر اساس الگوی هویتی بوده است که بر اساس ترکیب دو بعد؛ تعهد و کاوش تعریف شده است (لوکسی، گوسنس، سنس و بیرز، ۲۰۰۶). برزنسکی و فراری (۱۹۹۶) معتقدند که افراد براساس فرایندهای شناختی و اجتماعی، سه سبک هویتی متفاوت یعنی سبک هویت اطلاعاتی، اجتنابی-آشفته و هنجاری را شکل می‌دهند. براساس دیدگاه شناختی-اجتماعی برزنسکی (۱۹۹۰) سبک‌های هویتی، راهبردهای شناختی-اجتماعی هستند که افراد در زمان مواجهه با تعارضات هویتی از آنها استفاده می‌کنند (برزنسکی و همکاران، ۲۰۱۳).

افراد با سبک هویت اطلاعاتی، به طور فعال به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند، آنها تلاش می‌کنند تا اندیشه ورز، آگاه و گشوده نسبت به تجارب جدید باشند، آگاهانه به حل مسایل بپردازند و تصمیم گیرندگان هوشیاری باشند (سونس، دوریز و گوسنس ۲۰۰۵). افرادی که سبک هویتی هنجاری دارند، به طور خودکار انتظارات و دستورالعمل‌های اطرافیان مهم خود را به اجرا می‌گذارند. آنها افراد با وجدان و هدف‌مداری هستند، تمایل به نظام‌مندی و سازماندهی امور دارند (مرادی و همکاران، ۱۳۸۸). اما از پیش شکل گرفته اند و نسبت به اطلاعاتی که ممکن است دانسته‌ها و ارزش‌های شخصی آنها را به چالش بکشد، کاملاً بسته عمل می‌کنند (۲۰۰۳، برزنسکی، سونس و همکاران، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، سبک هویت سردرگم-اجتنابی از یک ساختار هویتی نامنسجم به وجود می‌آید. ویژگی اصلی این سبک، سطوح پایین پردازش فعالانه اطلاعات و مهارت‌های حل مساله محدود است. در واقع افراد با این سبک به میزان کمتری از روش‌های منطقی در فرایند پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند (سونس و همکاران، ۲۰۰۵).

از آنجایی که مهاجرت با فشارهای روانی توأم است که می‌تواند فرد را به بحران هویت دچار سازد و هرچه فرد تفاوت بیشتری بین ارزش‌های فرهنگی خود و سرزمین جدید احساس کند این بحران از عمق بیشتری برخوردار خواهد شد. در طی آشفتگی هویت، فرد ممکن است احساس کند به جای آنکه در حال پیشرفت است دچار پس‌روی شده است. بسیاری از افراد، هنگامی که دچار بیماری بحران هویت می‌شوند، احساس پوچی، ازخودبیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند. حتی گاهی به دنبال هویت منفی می‌گردند. آثار بعدی بحران‌هویت را می‌توان در پدیده‌هایی همچون مسئولیت‌گریزی، دل‌زدگی و بی‌تفاوتی جستجو نمود؛ چون از آنجا که به‌طور طبیعی نتوانسته است پاسخی برای پرسش‌های اساسی خویش بیابد، قطعاً برای ادای وظیفه خویش در قبال دیگران نیز انگیزه‌ای نخواهد داشت (شرفی، ۱۳۸۴).

از آنجایی که زندگی در یک جامعه انسانی که براساس مجموعه ای از چهارچوب های ارزشی مشخص و انتظارات و توقعات خاص شکل گرفته است، مستلزم رسیدن به درجه ای از سازگاری است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که رابطه بحران هویت با سازگاری دانشجویان مهاجر افغانستانی ساکن شهر اصفهان چگونه است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان مهاجر افغانستانی ساکن شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مشغول به تحصیل بودند که به منظور انجام پژوهش حاضر نمونه ای به حجم ۱۸۰ نفر دختر و پسر دانشجو به روش نمونه گیری در دسترس از بین دانشجویان دانشگاه های (آزاد، دولتی، پیام نور و غیر انتفاعی) انتخاب شدند.

ابزار پژوهش:

پرسش نامه ی سازگاری بل (BAI)

پرسش نامه ی سازگاری بل^۱ در سال ۱۹۶۱ توسط بل تدوین گردید. وی در زمینه ی سازگاری دو پرسش نامه ارائه کرده است که یکی مربوط به دانش آموزان و دانشجویان، و دیگری مربوط به بزرگسالان است.

از این پرسش نامه به عنوان کمک به مشاوره با بزرگسالانی که مسایل شخصی خود را در موارد مندرج در آزمون مطرح می کنند موفقیت آمیز بوده است و در مورد هر دو جنس زن و مرد کاربرد دارد. این پرسش نامه توسط بهرامی احسان (۱۳۷۱) بعد از ترجمه و ویرایش بر روی ۲۰۰ نفر به صورت تصادفی اجرا شد. اعتبار این آزمون با روش آلفای کرونباخ بر اساس ۸۰ سوال که تامین کننده تمام بخش های قابل محاسبه از قبیل سازگاری کل، سازگاری در خانه، سازگاری بهداشتی، سازگاری اجتماعی، سازگاری عاطفی و سازگاری شغلی یا تحصیلی بود، محاسبه گردید و ضریب آلفای آن معادل ۰/۸۹. به دست آمد.

هر فرم پنج بُعد سازگاری را در بر می گیرد که عبارتند از :

الف) سازگاری در خانه: نمرات سطح بالای افراد در این سطح نشانگر عدم سازگاری مطلوب با محیط خانه است و نمرات پایین از سازگاری در خانه حکایت دارد.

ب) سازگاری بهداشتی: نمرات بالا در این سطح، از سازگاری نامطلوب سخن می گوید و نمرات پایین معرف سازگاری رضایت بخش است.

ج) سازگاری اجتماعی: نمره‌ی بالا نشانگر دوری و کناره‌گیری از تماس‌های اجتماعی و تسلیم در برابر آن معرفی می‌شود و افرادی که نمره‌ی کم احراز کرده‌اند در تماس‌های اجتماعی حالت پرخاشگری دارند.

د) سازگاری عاطفی: افراد با نمره‌ی بالا از نظر عادی بی‌ثباتی را نشان می‌دهند و افراد با نمره‌ی کم از ثبیت عاطفی برخوردارند.

هـ) سازگاری شغلی (تحصیلی): افرادی که نمرات کم می‌گیرند از مشاغل خود رضایت دارند و آنهایی که نمرات بالا به دست می‌آورند از مشاغل خود ناراضی‌اند.

اعتبار آزمون - آزمون مجدد این پرسش‌نامه در راهنمای آزمون از مقادیر $0/70$ تا $0/93$ و ضریب همسانی درونی آن از $0/74$ تا $0/93$ گزارش شده است. بل ضرایب اعتبار (پایایی) را برای خرده مقیاس‌های سازگاری در خانه، سازگاری بهداشتی، سازگاری اجتماعی، سازگاری عاطفی و سازگاری شغلی و برای کل آزمون به ترتیب $0/91$ ، $0/81$ ، $0/88$ ، $0/91$ ، $0/85$ و $0/94$ گزارش کرده است. همچنین، این آزمون روایی بالایی در تشخیص گروه‌های بهنجار از نوروپیک و همبستگی آزمون‌های شخصیت آپسنگ نشان داده است (بل، ۱۹۶۲، به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸).

پرسش‌نامه سبک هویت

پرسش‌نامه سبک‌های پردازش هویت (ISI-6G) در پژوهش حاضر به منظور اندازه‌گیری سبک پردازش هویت از فرم ۳۰ سوالی پرسش‌نامه سبک‌های هویت ساخته وایت و همکاران (۱۹۹۸) استفاده شد. این پرسش‌نامه برگرفته از مدل برزونسکی (۱۹۹۲) است و دارای سه مولفه می‌باشد. زیر مقیاس‌های آن عبارتند از: سبک اطلاعاتی (۱۱ سوال) سبک هنجاری (۹ سوال) سبک سردرگم - اجتنابی (۱۰ سوال) می‌باشند. سؤالات بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالف = ۱، مخالف = ۲، تا حدودی موافق = ۳، موافق = ۴، کاملاً موافق = ۵) نمره‌گذاری می‌شوند. سؤالات ۱۱، ۱۴، ۲۰ به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در مقابل هر گویه یک طیف ۵ گزینه ای مقیاس لیکرت قرار دارد و از گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱ تا کاملاً موافقم نمره ۵ را شامل می‌شود.

برزونسکی^(۱) (۱۹۹۲) میزان ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک اطلاعاتی $0/62$ ، سبک هنجاری $0/66$ و سبک سردرگم - اجتنابی $0/73$ گزارش کرد. وایت و همکاران (۱۹۹۸) برای نسخه تجدید نظرشده پرسش‌نامه سبک هویت میزان ضریب آلفای کرونباخ را $0/59$ ، $0/64$ و $0/78$ برای سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی گزارش کردند. کروسیتی، روبینی، برزونسکی و میوس^(۲) (۲۰۰۸) ضرایب $0/64$ ، $0/58$ و $0/75$ را برای سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی به

دست آوردند. اسمیتس ۱ و همکاران (۲۰۰۸) ضریب آلفا را برای سبک اطلاعاتی ۰/۶۹، هنجاری ۰/۵۲ و سردرگم - اجتنابی ۰/۶۸ گزارش کردند. در ایران فولاد چنگ و همکاران (۱۳۸۸) آلفای کرونباخ را برای سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۵۰ و ۰/۶۴ بدست آوردند. غضنفری (۱۳۸۳) جهت بررسی روایی پرسش‌نامه سبک پردازش هویت از روش همبستگی همزمان بین پرسش‌نامه سبک پردازش و مقیاس سلامت عمومی استفاده کرد و گزارش داد که پرسش‌نامه از اعتبار مناسبی برخوردار است. همچنین جوکار و حسین چاری (۱۳۸۰) و فولاد چنگ و همکاران (۱۳۸۸) نیز روایی مطلوب را جهت پرسش‌نامه سبک پردازش هویت گزارش کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از متغیرهای دموگرافیک نشان می‌دهد که ۴۲ درصد پاسخگویان مرد و مابقی دارای جنسیت مونث بودند که از این میان گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال با درصد فراوانی ۵۸/۳ بزرگترین طبقه و گروه سنی بالای ۲۵ سال با درصد فراوانی ۱۰/۶ کوچکترین طبقه پژوهش بودند. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ نشان داده می‌شود.

جدول ۱: سبک‌های هویتی و سازگاری

سبک‌های هویت					سازگاری						
کل	تعهد	هنجاری	سردرگم	اطلاعاتی	کل	شنفی	اجتماعی	عاطفی	بهداشتی	درخانه	میانگین
۱۳/۳۴	۳۴/۷۵	۳۳/۳۱	۲۹/۱۰	۳۹/۰۵	۵۵/۶۵	۱۱/۱۴	۱۳/۷۵	۱۱/۶۱	۷/۷۶	۱۱/۳۸	
۱۵/۸۶	۶/۱۰	۵/۲۰	۵/۶۳	۵/۸۶	۲۱/۳۳	۶/۳۳	۵/۸۲	۵/۷۱	۴/۸۲	۶/۴	انحراف استاندارد د

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین نمره سبک اطلاعاتی ۳۹/۰۵، سبک سردرگم یا اجتنابی ۲۹/۱۰، سبک هنجاری ۳۳/۳۱، سبک تعهد ۳۴/۷۵، نمره کل ۱۳۵/۴۳ می‌باشد. میانگین سازگاری در خانه ۱۱/۳۸، سازگاری بهداشتی ۷/۷۶، سازگاری عاطفی ۱۱/۶۱، سازگاری اجتماعی ۱۳/۷۵،

سازگاری شغلی ۱۱/۱۴ و سازگاری کل ۵۵/۶۵ می‌باشد. در جدول شماره ۲ نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین مولفه‌های پژوهش نشان داده می‌شود.

جدول ۲ نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد سازگاری و سبک هویتی

سازگاری سبک هویت	خانه	بهداشتی	اجتماعی	عاطفی	تحصیلی-شغلی	سازگاری کل
اطلاعاتی	-۰/۲۰ ^{xx}	-۰/۰۵	-۰/۲۸ ^{xx}	-۰/۱۵ ^x	-۰/۱۷ ^x	-۰/۲۴ ^{xx}
هنجاری	-۰/۲۹ ^{xx}	-۰/۱۶ ^x	-۰/۲۳ ^{xx}	-۰/۱۳	-۰/۲۴ ^{xx}	-۰/۲۹ ^{xx}
سردرگم یا اجتنابی	۰/۰۶۲	۰/۱۰۲	۰/۱۳۱	۰/۱۲۴	۰/۰۷۸	۰/۱۳۴
تعهد	-۰/۳۶ ^{xx}	-۰/۲۴ ^{xx}	-۰/۳۹ ^{xx}	-۰/۳۳ ^{xx}	-۰/۴۰ ^{xx}	-۰/۴۸ ^{xx}
کل	-۰/۲۸ ^{xx}	-۰/۱۴	-۰/۲۸ ^{xx}	-۰/۱۸ ^x	-۰/۲۶ ^{xx}	-۰/۳۱ ^{xx}

^{xx} , $p < 0/05$ * $p < 0/01$

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود باتوجه به سطح معناداری ($p < ۰/۰۱$) بین سبک هویت اطلاعاتی با سازگاری در خانه، سازگاری اجتماعی و سازگاری کلی و با سازگاری عاطفی، تحصیلی و شغلی همبستگی منفی وجود دارد. سبک هویت هنجاری با سازگاری در خانه، سازگاری اجتماعی، تحصیلی و سازگاری کلی و با سازگاری بهداشتی رابطه منفی وجود دارد. سبک هویتی اجتنابی با هیچ کدام از ابعاد سازگاری رابطه معناداری ندارد. سبک هویت کلی نیز با سازگاری در خانه، سازگاری اجتماعی، تحصیلی و کلی و با سازگاری عاطفی همبستگی منفی برقرار است.

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) بر سازگاری در خانه

شاخص‌ها	گام	آزمون دورین واتسون
		معنی داری
	۱	۲/۰۶۰
	هنجاری	۰/۰۰۰
		-۴/۰۳۱
		۰/۰۸۸
		-۰/۲۹
		-۳/۶
		۰/۰۰۰
		۱۶/۳۴۸
		۰/۰۸
		۰/۰۸
		۰/۲۹

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود از بین کل ابعاد سبک هویت، تنها در یک گام، سبک هویت هنجاری پیش‌بینی کننده سازگاری در خانه بوده است ($p < ۰/۰۱$ و $t = -۴/۰۳۱$). سبک هویت هنجاری با ضریب استاندارد بتا $-۰/۲۹$ توانسته است حدود ۸ درصد واریانس میزان سازگاری در خانه را تبیین کند.

جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) بر سازگاری بهداشتی

شاخص‌ها	گام	آزمون دورین واتسون
		معنی داری
	۱	۱/۸۹۰
	هنجاری	۰/۰۳۶
		-۲/۱۱۸
		۰/۰۶۹
		-۰/۱۶
		-۰/۱۴
		۰/۰۳۶
		۴/۴۸۴
		۰/۰۳
		۰/۰۳
		۰/۱۶

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود از بین کل ابعاد سبک هویت، تنها در یک گام، سبک هویت هنجاری پیش بینی کننده سازگاری بهداشتی بوده است ($p < 0/05$ و $t = -2/118$). سبک هویت هنجاری با ضریب استاندارد بتا $0/16-$ توانسته است حدود ۳ درصد واریانس میزان سازگاری در خانه را تبیین کند.

جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) بر سازگاری اجتماعی

آزمون دوربین واتسون	معنی داری	F تغییر	$R^2 \Delta$	R^2	R	شاخص‌ها گام	
						اطلاعاتی	۱
۲/۰۹۶	۰/۰۰۰	۱۵/۶۳۷	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۲۸	اطلاعاتی	۲
	۰/۰۴۹	۳/۹۳۵	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۳۲	اطلاعاتی	
						اجتنابی	

همانگونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود سبک هویت اطلاعاتی و اجتنابی با سازگاری اجتماعی به شیوه گام به گام رابطه چندگانه معنادار وجود دارد ($p < 0/05$). مجذور R که نشان دهنده همپوشانی واریانس هاست نشان می‌دهد که در گام اول سبک هویتی اطلاعاتی ۸ درصد از پراکندگی نمرات خودکارآمدی را پیش بینی می‌کند. در گام دوم سبک هویتی اطلاعاتی و اجتنابی باهم ۱۰ درصد از نمرات سازگاری اجتماعی را پیش بینی می‌کنند.

در جدول ۶ ضرایب رگرسیون پیش‌بینی سازگاری اجتماعی با توجه به متغیرهای سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) به روش گام به گام گزارش شده است.

جدول ۶ ضرایب رگرسیون پیش‌بینی سازگاری اجتماعی با توجه به متغیرهای سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) به روش گام به گام

گام	شاخص‌ها	B	β	SE _b	t	معنی‌داری	Tolerance	VIF
۱	اطلاعاتی	-۰/۲۸	-۰/۲۸	۰/۰۷۰	-۳/۹۵۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
	اطلاعاتی	-۰/۲۸	-۰/۲۹	۰/۰۶۹	-۴/۰۵۹	۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۱/۰۰۱
	اجتنابی	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۰۷۲	-۱/۹۸۴	۰/۰۴۹	۰/۹۹۹	۱/۰۰۱

جدول ۷ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) بر سازگاری عاطفی

گام	شاخص‌ها	R	R ²	R ² Δ	تغییر	F	معنی‌داری	B	β	SE _b	t	معنی‌داری	آزمون دوربین واتسون
۱	اطلاعاتی	۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۰۲	۴/۲۰۵	۰/۰۴۲	-۰/۱۵	-۰/۱۵	-۰/۱۵	۰/۰۷۴	۲/۰۵۱	۰/۰۴۲	۱/۸۰۴

همانگونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود از بین کل ابعاد سبک هویت، تنها در یک گام، سبک هویت اطلاعاتی پیش‌بینی کننده سازگاری عاطفی بوده است ($p < ۰/۰۵$ و $t = -۲/۰۵۱$). سبک هویت اطلاعاتی با ضریب استاندارد بتا $-۰/۱۵$ - توانسته است حدود ۲ درصد واریانس میزان سازگاری عاطفی را تبیین کند.

جدول ۸ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) بر سازگاری تحصیلی

شاخص‌ها گام	۱
	هنجاری
R	۰/۲۴
R ²	۰/۰۶
R ² >	۰/۰۶
F تغییر	۱۱/۰۵۶
معنی داری	۰/۰۰۱
B	-۰/۲۹
ρ	-۰/۲۴
SEb	۰/۰۸۸
t	-۳/۳۲۵
معنی داری	۰/۰۰۱
آزمون دورینف	۱/۸۰۸

نتیجه گیری:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بحران هویت با سازگاری دانشجویان مهاجر افغانستانی ساکن شهر اصفهان انجام پذیرفت. یافته های حاصل از این پژوهش نشان داد که بین سبک های هویتی با ابعاد سازگاری در دانشجویان افغانستانی شهر اصفهان رابطه وجود دارد.

این یافته با یافته های مطالعه زیائوجیاو^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، سوننس^۲، داریز و گوسنز^۳ (۲۰۰۵)، جانسون و نوزیک^۴ (۲۰۱۱) و نورمی^۵ و همکاران (۱۹۹۷)، پرت^۶ (۲۰۰۰)، آدامز^۷ و همکاران (۲۰۰۵)، بوید^۸ و همکاران (۲۰۰۳) و لویکس و همکاران (۲۰۰۷) همسو است. نتایج مجموع پژوهش ها حاکی از این بود که افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی بیش از افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری بهتر از سایر سبک ها سازگاری را پیش بینی می کند و مشکلات رفتاری و سازگاری کمتری را نشان می دهند. کسانی که سبک هویت اطلاعاتی دارند در محیط آمادگی بیشتری برای مقابله مؤثر با الزامات بافت جدید دارند. قدرت پیش بینی بهتر سبک هنجاری برای سازگاری را می توان به ویژگی های افراد با این سبک نسبت داد. آن ها بیشتر به قوانین احترام می گذارند، روابط انسانی با دیگران داشته و در موقعیت های جمعی مؤفق تر عمل می کنند. این یافته مؤید یافته های بررسی برزونسکی و کوک^۹ (۲۰۰۵) است.

در همین راستا مطالعات نورمی و همکاران (۱۹۹۷)، آدامز و همکاران (۲۰۰۵)، ولیوراس و بوسما^{۱۰} (۲۰۰۵) نیز نشان داد که عملکرد بسنده در حوزه های تحصیلی و سازگاری و مشکلات رفتاری کمتر با سبک هویت اطلاعاتی رابطه دارد. لویکس^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۷) هم به این نتیجه رسیدند که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری در دانشجویان با سازگاری با دانشگاه رابطه مثبت دارد. به عبارتی افراد با تعهد بالا که فعالانه در جستجوی هدف و برنامه ریزی مناسب برای زندگی خود بوده و توانایی خودارزیابی و تجدید نظر در ساختار خود دارند راحت تر با مشکلات و تغییرات محیطی مقابله می کنند. در مقابل بوید و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه خود دریافتند که سبک هویت اجتنابی/سردرگم با انتظارات پایین موفقیت و عملکرد نامناسب در دانشگاه رابطه دارد، در حالی که دو سبک دیگر با عملکرد و انتظارات مثبت همبستگی داشت. مجموع یافته ها از رابطه بین سبک هویت و سازگاری حمایت می کند.

8Boyd

9Berzonski & Kook

10- Vileira's and Bosma

11- Lucks

1- Xiao Jiao Yuan

2 Soenens

3 Duriez and Gossans

4 Johnson and Nozick

5 Norma.

6 Parrot

7 Adams

یافته‌ها نشان داد تعهد هویتی به عنوان متغیری میانجی قادر است رابطه سبک‌های هویت و مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه را به شکل معناداری تحت تأثیر قرار دهد. زمانی فرد به تعهد هویتی می‌رسد که تصمیمات قاطعی در زمینه‌های مختلف زندگی خود مانند شغل، ازدواج، پابندی به دیدگاه‌های سیاسی یا عقیدتی خاص اتخاذ کرده و راهبردهای خاصی را برای رسیدن به اهداف شخصی و تعیین مسیر زندگی در نظر گرفته باشد (آقا محمدیان و حسینی، ۱۳۸۴). به این دلیل داشتن تعهد می‌تواند به فرد کمک کند تا بین نیازهای شخصی و خواسته‌های اجتماعی تعادل برقرار کند و به شکل بسنده‌ای با محیط و شرایط سازگار شود. پژوهش کامینسکی (۲۰۰۲) نیز نشان داده است تعهد هویتی نقش تعیین کننده‌ای در سازگاری داشته و می‌تواند در کاهش یا افزایش آن مؤثر باشد. به عبارتی داشتن تعهد همانند نقشه‌ای عمل می‌کند که به فرد کمک می‌کند توانایی‌ها و کوشش‌های خود را در سمت و سوی مشخصی متمرکز و از پراکندگی پرهیز کند. در همین راستا، اریکسون معتقد است کسب نکردن هویت و نداشتن تعهد می‌تواند بروز اختلال در درک زمان، اشتغال فکری بیش از اندازه با خود و هویت منفی را موجب شود که کارکرد بسنده و سازگارانۀ فرد را مختل کند (مارسیا، ۱۹۹۳).

از جمله محدودیت‌های پژوهش، محدود بودن نمونه به دانشجویان مهاجر افغانستانی، تعمیم نتایج به سنین و گروه‌های فرهنگی دیگر باید با احتیاط صورت پذیرد. از جمله محدودیت‌های دیگری که در پژوهش حاضر وجود دارد روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس است لذا در تعمیم نتایج باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

به پژوهش‌گران آینده پیشنهاد می‌شود متغیرهای بیشتری در ارتباط با سبک‌های هویتی مهاجران و موارد مرتبط با سازگاری این افراد مورد بررسی قرار دهند. همچنین لازم است که در پژوهش‌های دیگر گروه‌های دیگر که شامل دانشجویان ایرانی و دیگر گروه‌های مهاجر می‌باشند با یکدیگر مقایسه کنند.

منابع:

- شرفی جم، محمد رضا (۱۳۸۴). *جوان و بحران هویت*. تهران: انتشارات سروش.
- فرقدانی، آزاده (۱۳۸۳). *بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دوره کارشناسی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه*. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- مرادی، گلرمداد و ایمان، محمد تقی (۱۳۸۸). *بررسی رابطه بین راهبردهای فرهنگ پذیری و سلامت روانی در میان مهاجران: نمونه موردی مطالعه شهر کرمانشاه*. *جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۳۳*، ص ۱۴۷-۱۷۰.
- محمدیان، مهرداد، دادفر، محبوبه، بوالهری، جعفر و کریمی کیسمی، عیسی (۱۳۸۴). *غربالگری اختلال‌های روانی در مهاجران افغان مقیم تهران*. *فصلنامه پژوهشهای جامعه شناسی معاصر، شماره ۵*، ص ۳۲۱-۳۰۳.
- کاوندی، زینب و محمد مهدی صفورایی یاریزی (۱۳۹۱). *سازگاری میان فرهنگی، پدیده های مطرح ولی دور از نظر*. *فصلنامه ظهور، سال پنجم، شماره ۱۳*.

- Ibrahim, F. A. and J. R. Heuer (2016). Immigrants: Identity Development and Counseling Issues. *Cultural and Social Justice Counseling, Springer: 123-149*
- Social Science & Medicine, olume(2015). International parental migration and the psychological well-eing of children in Ghana, Nigeria, and Angola identity reduces depression by fostering positive attributions. *Social Psychological and Personality Science*, 1948550614543309
- Koh, K. B. (2013). *Identity of somatoform disorders: Comparison with depressive disorders and anxiety disorders Somatization and psychosomatic symptoms* (pp.3-15): Springer
- Berzonsky, M. D., Soenens, B., Luyckx, K., Smits, I., Papini, D. R., & Goossens, L. (2013). Development and validation of the revised Identity Style Inventory (ISI-5): Factor structure, reliability, and validity. *Psychological assessment*, 25(3), 893
- Kirmayer, L. J., Narasiah, L., Munoz, M., Rashid, M., Ryder, A. G., Guzder, J., . . . Pottie, K. (2011). Common mental health problems in immigrants and refugees: general approach in primary care. *Canadian Medical Association Journal*, 183(12), E959-E967.

- Landis, D.(2010). Globalization, Migration into Urban Enters and Cross-cultural training, *International Journal of International Relations*, Vol. 32, pp. 337-348
- Sabatier, C. (2008). Ethnic and national identity among second-generation immigrant adolescents in France: The role of social context and family. *Journal of adolescence*, 31(2), 185-205
- Luyckx, K., Goossens, L., Soenens, B., & Beyers, W. (2006). Unpacking commitment and exploration: Preliminary validation of an integrative model of late adolescent identity formation. *Journal of adolescence*, 29(3), 361-378
- Pumariega, A. J., Rothe, E., & Pumariega, J. B. (2005). Mental health of immigrants and refugees. *Community mental health journal*, 41(5), 581-597
- Hodkinson, P. (2002). *Goth. Identity, style and subculture: Berg Publishers.*
- Berzonsky, M.D. (1996). Self - identity: the relation ship between process and content, *Journal of research in personality* .
- Berzonsky, M.D. (1994). Self - identity: the relation ship between process and content, *Journal of research in personality*
- Erikson, E. (1968). Identity: Youth and crisis. New York: Norton.
- Balbo, M. and Marconi, G. (2006). International Migration, Diversity and Urban Governance in Cities of South, *Journal of Habitat International*, 30, 706-715.